

مرز قانونی بین تعدد

جرم و تکرار جرم

□ عزیز طوسی

□ قاضی دادگاههای نظامی

□ قسمت اول

رابطه فرزندى قاتل با مقتول، کیفیت مشدده است؛ ولی نوع جرم را که قتل است، تغییر نمی دهد.

کیفیات مشدده و ازکان متشکله گاهی در علم حقوق و رویه قضائی به نحوی مورد بحث و تحقیق قرار گرفته اند که یک وضعیت، گاهی کیفیت مشدده و گاهی از ارکان تشکیل دهنده جرم تلقی شده است. کیفیت مشدده به کیفیت مشدده "مادی" و کیفیت مشدده "شخصی" تقسیم می شود. کیفیت مشدده جرم اگر مادی باشد، درباره همه شرکای جرم مؤثر است ولی اگر شخصی باشد، فقط در مورد آن شریکی مؤثر است که در آن وضعیت قرار دارد. مثلاً دزدی در شب، درباره همه شرکای جرم، دارای کیفیت مشدده است. ولی اگر چند نفر با هم مرتکب قتل یک نفر شوند و یکی از آنان فرزند خود مقتول باشد، کیفیت مشدده فقط درباره شخص او مؤثر است نه دیگران. کیفیت مشدده تقسیم بندی دیگری هم دارد، اگر بنحوی باشد که در تمام جرایم قابل اعمال باشد، "عام" است و اگر در مورد بعضی از جرایم قابل اعمال باشد، "خاص" نامیده می شود.

بزهکار را برای توجیه تشدید مجازات برمی گزینند. علل تشدید کننده مجازات در سه دسته گروه بندی می شوند:

بخش نخست؛ کیفیت مشدده.

بخش دوم؛ تکرار جرم.

بخش سوم؛ تعدد جرم.

بخش نخست؛ کیفیت مشدده:

کیفیات مشدده را با ارکان متشکله جرم نباید اشتباه کرد. ارکان متشکله هر جرمی عبارتند از عناصر ضروری آن جرم، که بدون آن عناصر، جرم مذکور تحقق پیدا نمی کند. مثلاً قصد کشتن از ارکان متشکله قتل عمدی است. ربودن متقلبانه مال کسی، از ارکان تشکیل دهنده جرم دزدی است. هرگاه ارکان تشکیل دهنده یک جرم تحقق پیدا کند، آن جرم محقق می شود و اگر از بین برود، آن جرم هم از بین می رود. کیفیت مشدده فرع بر ارکان متشکله جرم هستند. این کیفیت آثار معینی را در جرم به وجود می آورند؛ بخصوص از لحاظ قضائی در مجازات آن جرم اثر می گذارند؛ ولی نوع جرم را تغییر نمی دهند. انتخاب شب برای انجام دزدی، یک کیفیت مشدده است و هرگز نوع جرم را تغییر نمی دهد.

در قلمرو حقوق جزا، تعدد جرم و تکرار جرم راه از علل تشدید کننده مجازات می دانند. بنابراین توضیح مختصری در مورد تشدید مجازات به عنوان مقدمه بحث، ضروری به نظر می رسد. در بحث مجازات، علل مشدده همراه علل مخففه، یک سیستم معادله ای را به وجود می آورند. قانون در حالت معمولی، برای هر جرمی مجازاتی را تعیین کرده است که یا ثابت است و یا حداکثر و حداقل دارد. قاضی حق ندارد برای محکوم، بیش از مجازات ثابت یا بیش از حداکثر مقرر در قانون کیفر تعیین کند. علل تشدید کننده مجازات به قاضی اجازه می دهد که در تعیین کیفر از حداکثر مجازات پیش بینی شده برای آن جرم تجاوز کند. علل مشدده در همه سیستمهای حقوقی و قانونگذاری نقش ویژه خود را بازی می کند، منتهی در هر مکتبی با توجیه و بینش ویژه ای ظهور می کند؛ به عنوان مثال در مکتب کلاسیک و نئوکلاسیک مسئولیت اخلاقی و کیفری را پایه مجازات قرار می دهند، در مکتب وضعی و مکتب دفاع اجتماعی، حالت خطرناک

بخش دوم: تکرار جرم:

تکرار جرم، موجب تشدید مجازات می‌شود. ارتکاب جرم مثل بیماری از مرحله حاد و تازه آغاز می‌شود و به مرحله مزمن می‌رسد. تکرار جرم، پدیده‌ای است که هم قانونگذار به آن توجه دارد و هم دستگاه قضائی آن را نادیده نمی‌انگارد.

مفهوم تکرار جرم از دیدگاه اندیشمندان جرم‌شناسی، تنها به معنای آن نیست که مجرمی پس از محکومیت قطعی و یا پس از محکومیت قطعی و اجرای حکم، مرتکب جرم دیگری شود، بلکه جرم‌شناسان نظری وسیع‌تر دارند و پدیده تکرار جرم را شامل هرگونه تکراری می‌دانند؛ بی‌آنکه به قید و بندهای قانونی و قضائی چشم دوخته باشند. تقسیم‌بندی تکرار جرم شامل مفاهیم زیر است:

۱- **تکرار طبیعی جرم:** که بنا بر آن، بزه‌کار پس از ارتکاب بزه نخستین، هر جرمی را مرتکب شود، تکرار جرم تلقی می‌شود. بی‌آنکه محکومیتی در کار باشد.

۲- **تکرار اجتماعی جرم:** که در آن محکومیت به علت ارتکاب یک جرم پیشین مفروض است.

۳- **تکرار قانونی جرم:** که در مجموعه قوانین کیفری توصیف می‌شود و خود به چند شاخه تقسیم می‌شود:

(۳-۱) **تکرار عام:** و آن درحالی است که جرایم ارتكابی قبلی و بعدی از یک نوع نباشند.

(۳-۲) **تکرار خاص:** و آن درحالی است که جرایم ارتكابی قبلی و بعدی از یک نوع باشند. مرتکبین این نوع جرایم را "مجرمین به عادت" می‌گویند.

(۳-۳) **تکرار با حبس:** در این نوع

تکرار، فرض بر اینست که مجرم جهت ارتکاب اولیه، مدتی را در زندان بوده است. (۳-۴) **تکرار اصراری:** در این فرضیه، فرد مجرم بیش از یک فقره سابقه محکومیت داشته و برای سومین بار یا بیش از آن مرتکب جرم می‌شود.

(۳-۵) **تکرار از لحاظ مدت زمان:**

کیفیت مشدده جرم اگر مادی باشد، در باره همه شرکای جرم مؤثر است ولی اگر شخصی باشد، فقط در مورد آن شریکی مؤثر است که در آن وضعیت قرار دارد

به "دائمی" و "موقت"، تقسیم می‌شود. اگر قانون تشدید مجازات تکرار جرم را محدود به زمان معین بکند، تکرار موقت یا مقید به زمان خواهد بود. اگر اجرای

هرگاه از کار تشکیل دهنده یک جرم تحقق پیدا کنند، آن جرم محقق می‌شود و اگر از این برون، آن جرم هم از بین نمی‌رود

مقررات تشدید مجازات، مقید به زمان معین نباشد، آن را "دائمی" گویند.

مقررات تکرار جرم در ماده (۲۴) قانون مجازات عمومی سابق چنین بود: هرکس ب موجب حکم قطعی به حبس جنحه‌ای یا جنائی محکوم شده و از تاریخ قطعیت حکم تا زمان اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان مرتکب جنحه یا جنایت دیگری شود مشمول مقررات تکرار جرم

خواهد بود. ماده (۲۵) این قانون، نحوه تشدید را بیان نموده است و ماده (۲۶): محکومیت سیاسی را از شمول مقررات تکرار جرم مستثنا کرده است.

تعریفی که ماده (۲۴) "ق.م.ع." از تکرار جرم داشته است، آن را مقید به زمان معین کرده است. به عبارت دیگر، تکرار موقت را پذیرفته است و آن نوع محکومیتی را که مشمول مرور زمان شده باشد یا از مجرم قانوناً اعاده حیثیت شده باشد، موجب تشدید مجازات نمی‌دانسته است. ولی در ماده (۴۸) قانون مجازات اسلامی، بنا به مفهوم و منطوق آن تکرار دائمی مطرح است. یعنی محکوم علیه بعد از اجرای حکم، هر وقت جرم جدیدی مرتکب شود، مشمول قواعد تکرار خواهد شد.

اگر در تکرار جرم شرط این باشد که جرم ارتكابی بعد از محکومیت، از همان نوع اولی باشد چنانکه قبلاً ذکر شد- آن را تکرار "خاص" می‌گویند؛ و اگر ارتكاب هر جرمی بعد از محکومیت بدون توجه به نوع آن- موجب اجرای قواعد تکرار باشد، آن را تکرار "عام" می‌نامند. تکرار جرمهای نظیر هم، نشان دهنده تباهی اخلاق و رفتار اجتماعی مجرم است و آنان را حرفه‌ای و خطرناک جلوه می‌دهد. در قانون مجازات عمومی، هم تکرار عام مورد پذیرش بوده است و هم تکرار خاص. ماده (۲۵) قانون مذکور، مجازات مجرم را در تکرار خاص تا دو برابر حداکثر، تشدید کرده است؛ در صورتی که جرم جدید نظیر جرایم سابق نباشد مجازات آن تا یک برابر و نیم حداکثر مجازات اصلی تشدید شده است. در ماده (۴۸) قانون مجازات اسلامی، قاعده کلی تکرار جرم، نه قید زمان دارد و نه قید درجه

جرم؛ ولی شرط تحقق آن این است که جرایم قبلی و بعدی دارای مجازات تعزیری و بازدارنده باشند. ماده (۴۸) قانون مجازات اسلامی می‌گوید: «هرکس بموجب حکم دادگاه به مجازات تعزیری و یا بازدارنده محکوم شود، چنانچه بعد از اجرای حکم مجدداً مرتکب جرم قابل تعزیر گردد، دادگاه می‌تواند در صورت لزوم مجازات تعزیری یا بازدارنده را تشدید نماید.» این ماده، مجازات تکرار جرم را در صورتی قابل تشدید دانسته است که مجازات تعزیری یا بازدارنده نخستین اجرا شده باشد. در این ماده، فقط قواعد تکرار جرایم قابل تعزیر بیان شده است و نحوه تشدید هم سکوت مانده است. در نقد این ماده سخن زیاد است. در مورد حدود و قصاص و دیات، قواعد تکرار و تعدد، در جای خود بیان شده است و اغلب این تکرارها به صورت اصراری هستند و موجب تشدید مجازات مرتکب می‌باشند.

مواد ۸۹، ۹۰، ۱۲۲، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۷۹ و ۲۰۱ قانون مجازات اسلامی، از این نظر قابل توجه می‌باشند. در فقه اسلامی، آنجا که شرایط قصاص جمع نیست، قواعد جالب توجهی درباره تکرار قتل آمده است که به چند مورد آن اشاره می‌شود: «ولا یقتل الحرّ بالعبد وقیل إن اعتاد قتلهم قتل جسماً لجرأته. لو قتل المولی عبده کفر وعزّر. و قیل إن اعتاد ذلک قتل ولكن یعزّر بقتل الذمی والمعاهد و یغزم دية الذمی وقیل آتیه ان اعتاد قتل اهل الذمة اقتص منه بعد ردّ فاضل دیته.»

در این نظریه، عادت به ارتکاب جرم را علت تشدید مجازات، و قطع تجری مجرم

را هدف تشدید مجازات قرار داده است. آنچه غیر قابل انکار است، اختیار و انتخاب قانونگذار است و تغییرپذیری معیارها در زمانهای مختلف. لازم به یادآوری است که در غیر موارد جرایم قابل تعزیر، قواعد تکرار مربوط به هر جرمی در جای خودش بیان شده است. اگر یکی از جرایم تکراری، تعزیری و دیگری از حدود و قصاص و دیات باشد، تشدید مجازات مورد نخواهد داشت. قانون بعضی از کشورها ممکن است شرط تحقق تکرار جرم را هم درجه بودن جرم نخستین با جرم ثانوی بدانند.

فائده کلی تکرار جرم، نه قید زمان دارد و نه قید درجه جرم؛ ولی شرط تحقق آن این است که جرایم قبلی و بعدی دارای مجازات تعزیری و بازدارنده باشند

همچنین ممکن است در دادگاه نظامی، محکومیت قبلی متهم وقتی ملحوظ نظر قرار گیرد که جرم ارتكابی وی در قانون مجازات عمومی آمده باشد و به‌طور کلی، محکومیت به‌علت ارتکاب جرایم خاص نظامی که در قانون مجازات عمومی نیامده است، مشمول قواعد تکرار جرم نباشد. قواعد حاکم بر تعدد و تکرار نسبت به مکانهای مختلف هم دگرگون می‌شود. قانون جزای فرانسه، مقررات مفصلی در مورد تکرار جرم دارد و دیدگاههای آن با دیدگاههای قانون، فرق دارد. مثلاً قواعد تکرار جرم در قانون فرانسه، تکرار اصراری را موجب برقراری قیومیت کیفری نسبت به محکوم علیه می‌دانند. در حالی که در سایر کشورها ممکن است

چنین اقدام تأمینی پیش بینی نشده باشد. در حقوق فرانسه، شخص، تکرار کننده جرم محسوب نمی‌شود مگر مرتکب جرم جدیدی بشود و قبل از آن به‌علت ارتکاب جرم دیگری محکوم شده باشد و آن محکومیت، قطعی شده باشد. بنابراین، در حقوق فرانسه حالت تکرار جرم فرضیه‌ای است که دو مرحله دارد:

۱- محکومیت قطعی به‌علت ارتکاب یک جرم اولیه؛

۲- ارتکاب یک جرم ثانویه مستقل از جرم اولیه. بعضی از قانونگذارها برای تحقق مرحله اول تکرار جرم، تحت تعقیب قرار گرفتن فرد را کافی می‌دانند و محکومیت قطعی را ضروری نمی‌دانند. بعضی دیگر، یک محکومیت متحمل شده را لازم می‌دانند. در حقوق فرانسه، تنها تحت تعقیب قرار گرفتن برای تحقق تکرار جرم، کافی نیست و از طرف دیگر، تحمل کیفر هم از شرایط تحقق آن نیست بلکه یک محکومیت اعلام شده در یک رأی قطعی برای تحقق آن کافی است.

مفهوم اصطلاح تکرار جرم، از قدیم مورد منازعه و اختلاف بوده است. جرم‌شناسان به این نکته دقیقاً توجه داشته‌اند که اگرچه مفهوم قانونی تکرار جرم ممکن است از لحاظ قضائی، مشخص و واضح باشد ولی عاری از معنی و مفهوم جرم‌شناسی است. دانشمندان جرم‌شناسی، برای مطالعه مسأله تکرار جرم از دیدگاه عمومی و کلی خودشان، اصطلاح «تکرار گری» (Recidivisme) را وضع کرده‌اند. آنان «تکرار» را تقسیم می‌کنند و برای آن، یک معنای عام قائل می‌شوند که شامل ارتکاب مجدد جرم

است و یک معنای خاص به آن می دهند که شامل تکرار جرم مجرمین زندان رفته است. این دو نوع تکرار جرم، ظاهراً معنی و مفهوم خیلی وسیعتری دارند تا تکرار قانونی جرم چون به هر نحوی فرض شود، تکرار جرم قانونی در محدوده مفهوم آن دو قرار خواهد گرفت.

تکرار جرم در هر قانونی که مطرح شده است، به دنبال خود، تشدید مجازات را همراه داشته است. از دیدگاه عدالت، این نوع تشدید مجازات مورد اعتراض قرار گرفته است:

الف: عده‌ای از حقوقدانان - بخصوص طرفداران مکتب نئوکلاسیک - از دیدگاهی واقع گرایانه می گویند شخصی که عملی را مرتکب شده و مجازات آن را تحمل کرده است، برای ارتکاب جرم بعدی نباید بیش از آن کیفری که آن جرم به دنبال دارد، تنبیه شود. اگر مجازات بیشتری تحمیل شود، غیر عادلانه است. گروه مقابل می گویند: مجازات را نمی توان به طور دقیق و عادلانه با شدت عمل ارتكابی متناسب کرد، در تعیین مجازات به اعمال و رفتار و وضعیت و میزان خطرناکی مجرم توجه می شود.

ب: از لحاظ اخلاقی و شخصی هم، می گویند: مجرمی که مرتکب تکرار جرم شده است، در ارتکاب ثانویه همان اندازه مسؤولیت دارد که شخص مرتکب اولیه، مسؤولیت دارد. "گاروفالو" می گوید: «مرتکب تکرار جرم را نباید سرزنش کنیم که چرا هشدار دستگاه قضائی در محکومیت اولیه را مورد توجه قرار نداده است؛ اگر مجازات او را اصلاح نکرده است، بیشتر بدین جهت است که سیستم

مجازات‌ی بدی را تحمل کرده است. در هم برهمی بدفرجام و شومی را در دستگاه قضاوت و سازمان زندانها دیده است، همه اینها به او تحمیل شده است. هرچه بیشتر در زندان روزگار سپری کرده باشد، قدرت و توان ایستادگی وی در برابر بدیها و بدکرداریها کمتر می شود. همچنین در



زمینه آزادی فکری و اخلاقی، مسؤولیت او از کسی که برای اولین بار مرتکب جرم می شود، کمتر است. این استدلال درست است، لیکن با وجود درستی این استدلال نباید کسی به آن متوسل شود، زیرا تشدید مجازات تحمیلی به مرتکبین تکرار جرم، متکی بر مفهوم عدالت نیست؛ بلکه متکی بر فایده اجتماعی آن مجازات است. جامعه با تمام توان خود در برابر مجرم تکراری از خود دفاع می کند، زیرا او با تکرار جرم نشان داده است که نسبت به مجرمین اولیه - به طور اخص - خطرناک است. بنابراین تشدید مجازات در تکرار جرم متکی به سیاست کیفری است.

ج - از لحاظ علمی، تشدید مجازات تکرار جرم، سخت مورد اعتراض و انتقاد واقع شده است. عده‌ای معتقدند که اصل

تشدید مجازات در تکرار جرم، به علل متعدد تکرار جرم عنایتی ندارد؛ بخصوص که این علتها از مجرمی نسبت به مجرم دیگر تغییر می کند. البته شکی نیست که بالا بردن شدت مجازات ناتوانتر از آن است که از تکرار جرم پیش گیری کند. این گروه معتقدند که ترجیحاً باید اصل فردیت^(۱)

در قوانین و مقررات رعایت شود و به قاضی اختیارات وسیع داده شود، تا بتواند از بین مجازاتها و اقدامهای گوناگون، آن مجازاتی را انتخاب کند که با وضع فرد محکوم تناسب دارد. شایان ذکر است که مقررات تکرار جرم در عمل از قدرت اجرایی کمتری برخوردار است. در نتیجه، اگرچه قانون به قاضی اجازه داده است که در تعیین مجازات برای مجرم تکراری از حداکثر مجازات پافرا

بگذارد ولی در عمل، بیشتر دادگاهها، نه تنها از حداکثر تجاوز نمی کنند بلکه خیلی دورتر از حداکثر توقف می کنند، تا آنجا که مجازات تعیین شده برای تنبیه مجرم غیرکافی به نظر می رسد.

طرفدار هر نظریه‌ای که باشیم، فرق نمی کند. حقیقت اینست که تکرار جرم همیشه نقش مهمی را در بزهکاری داشته است؛ بویژه در بزهکاری زمان معاصر توسعه مباحث مربوط به تکرار جرم در نیمه دوم قرن نوزدهم، مشکلات و مسائل اضطراب آوری را در میان دانشمندان علوم جزا و تدوین کنندگان قانون به وجود آورده است.

ادامه دارد...

پی نوشت:

1-Individualite